

Designing the Growth Pattern of Responsibility of Elementary School Students Based on the Grounded Theory

Mansour Dehghan Manshadi^{1*}, Raziieh Baberi², Hamideh Hemmati³

1. Department of Educational Administration, Farhangian University, Tehran, Iran

2. M.Sc. of General Psychology, Yazd Branch, Isfamic Azad University, Yazd, Iran

3. Ph.D. Student in Educational Psychology, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran

(Received: January 30, 2021; Accepted: September 3, 2021)

Abstract

The aim of this study was to design a growth pattern of responsibility of elementary school students based on the Grounded Theory, which was used the qualitative method of data-based theory. The participants in the present study included child psychologists and counselors, of whom 21 were selected by theoretical sampling for in-depth interviews. The validity of the findings was assessed by matching method by members and conducting pilot interviews. Open source, axial and selective coding were used for analyzing qualitative data. The results indicate that 774 basic conceptual propositions with 84 sub-categories and 23 main categories in the form of six dimensions of the paradigm model were identified, as follows: causal causes (family, observational learning, education, personal characteristics), main phenomenon (growth of responsibility, complex and multidimensional phenomenon), strategy (family strategies, school strategies, educational strategies, supervisory strategies, motivational strategies, individual effort), field characteristics (needs assessment, pathology, underlying opportunities, underlying individual characteristics, macro-infrastructure), environmental conditions (economic factors, political factors, social factors, technological factors, value factors, environmental factors) and consequences (individual consequences, social consequences). The integration of categories based on the existing relationships among them, around the growth of responsibility framework, forms a conceptual model that reflects the growth pattern of responsibility among elementary school students.

Keywords: Conceptual model, Elementary schools, Growth, Responsibility, Students.

* **Corresponding Author, Email:** mansoor.dehghan@cfu.ac.ir

طراحی الگوی رشد مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان مدارس ابتدایی

بر اساس نظریه داده‌بنیاد

منصور دهقان منشادی^{۱*}، راضیه بابری^۲، حمیده همتی^۳

۱. گروه مدیریت آموزشی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران

۲. کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی، واحد یزد، دانشگاه آزاد یزد، یزد، ایران

۳. دانشجوی دکتری روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۱۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۱۲)

چکیده

هدف پژوهش حاضر، طراحی الگوی رشد مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان مدارس ابتدایی بر اساس نظریه داده‌بنیاد بود که از روش کیفی نظریه برخاسته از داده‌ها یا داده‌بنیاد استفاده شد. شرکت‌کنندگان در پژوهش حاضر، روان‌شناسی و مشاوره کودک بودند که تعداد ۲۱ نفر از میان آن‌ها به صورت نمونه‌گیری نظری برای انجام مصاحبه عمیق انتخاب شدند. بررسی اعتبار یافته‌ها با روش تطبیق توسط اعضا و انجام مصاحبه‌های آزمایشی انجام گرفت. نتایج تحلیل اطلاعات کیفی از کدگذاری باز، محوری و گزینشی، بیان‌کننده آن است که ۷۷۴ گزاره مفهومی اولیه با ۸۴ مقوله فرعی و ۲۳ مقوله اصلی در قالب ابعاد شش‌گانه مدل پارادایمی شامل موجبات علی (خانواده، یادگیری مشاهده‌ای، آموزش و پرورش، ویژگی‌های فردی)، پدیده اصلی (رشد مسئولیت‌پذیری، پدیده‌ای پیچیده و چندبعدی)، راهبرد (راهبردهای مربوط به خانواده، راهبردهای مدرسه‌ای، راهبردهای آموزشی، راهبردهای نظارتی، راهبردهای انگیزشی، تلاش فردی)، شرایط زمینه‌ای (نیازسنجی، آسیب‌شناسی، فرصت‌های زمینه‌ساز، ویژگی‌های فردی زمینه‌ساز، زیرساخت‌های کلان)، شرایط محیطی (عوامل اقتصادی، عوامل سیاسی، عوامل اجتماعی، عوامل فناورانه، عوامل ارزشی، عوامل زیست‌محیطی) و پیامدها (پیامدهای فردی، پیامدهای اجتماعی)، شناسایی شدند. یکپارچه‌سازی مقوله‌ها بر مبنای روابط موجود بین آن‌ها، حول محور رشد مسئولیت‌پذیری، شکل‌دهنده مدل مفهومی است که الگوی رشد مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان مدارس ابتدایی را انعکاس می‌دهد.

واژگان کلیدی: دانش‌آموزان، رشد، الگوی مفهومی، مدارس ابتدایی، مسئولیت‌پذیری.

مقدمه

مسئولیت‌پذیری یکی از اساسی‌ترین ابزار موفقیت است. در واقع، قبول مسئولیت در زندگی نقطه آغاز تمام دستاوردهای بزرگ است؛ زیرا آدمی بدون پذیرش مسئولیت از تعیین اهداف زندگی‌اش نیز اجتناب می‌کند (حاجی‌زاده و آورجه، ۱۳۹۳)؛ بنابراین، فرد در مرکز عالم قرار دارد و مسئول اعمال و احساسات خویش است (تورک‌هرامان^۱، ۲۰۱۵). صاحب‌نظران تعریف‌های گوناگونی از مسئولیت‌پذیری ارائه داده‌اند؛ ولی تعاریفی که برای مسئولیت‌پذیری بیان‌شده، یکسان نیست؛ اما هریک به جنبه‌ای از آن پرداخته‌اند (فینک^۲ و همکاران، ۲۰۲۰).

اسمیت‌کیارای، لاتگتون و پیجسل^۳ (۲۰۱۵) مسئولیت‌پذیری را به‌عنوان باورهای شخص درباره اینکه خودش ارباب زندگی خودش است، معرفی می‌کنند. مرگلر و شیلد^۴ (۲۰۱۶) و مرگلر (۲۰۰۷) مسئولیت‌پذیری شخصی را توانایی تعیین و تنظیم افکار، احساسات و رفتار خود به همراه تمایل به پاسخگویی برای انتخاب‌های صورت‌گرفته و پیامدهای شخصی و اجتماعی ایجادشده می‌دانند و حسن و لاند تامسون^۵ (۲۰۱۹) مسئولیت را نشان از تعهد و وظیفه فرد می‌دانند که این احساس تعهد، یک ویژگی شخصیتی است و به‌صورت رفتارهای ثابت در مجموعه رفتارهای شخص نمایان می‌شود (نی و وان وارت^۶، ۲۰۱۵).

ویلیام گلاسر^۷ مسئولیت‌پذیری را توانایی برآوردن نیازهای خود و پذیرفتن پیامد رفتارها به‌گونه‌ای که مانعی در جهت برآوردن نیازهای افراد جامعه نباشد عنوان می‌کند (صاحبی، زالی‌زاده و زالی‌زاده، ۱۳۹۴). مسئولیت‌پذیری یک الزام و تعهد درونی از سوی فرد برای انجام مطلوب فعالیت‌هایی است که بر عهده‌اش گذاشته شده است. از جمله نظریاتی که در رابطه با مسئولیت‌پذیری

1. Turkkahraman
2. Fink
3. Smithkirai, Longthong & Peijsel
4. Mergler, & Shield
5. Hassan, & Lund-Thomsen
6. Ni & VanWart
7. Glasser

بحث می‌کنند، نظریه وجودگرایان است. مطابق این نظریه، مسئولیت‌پذیری امری وجودی است که از طریق تعلیم و تربیت شکوفا می‌شود (آلاک، کوئین و ویلسون^۱، ۲۰۱۶).

به عبارت دیگر، مسئولیت‌پذیری در معنای فردی همان پذیرش تعهد برای برآورده کردن ارزش‌های شخص است و در معنای اجتماعی، پذیرش و احترام نسبت به ارزش‌های مطلوب جامعه است (شریفی، ۱۳۹۶). مسئولیت‌پذیری، یک انتخاب آگاهانه و بدون اجبار در تعیین رفتار خود و چگونگی رفتار با دیگران در مناسبات اجتماعی است (اسکارتی^۲ و همکاران، ۲۰۱۵؛ آلاک، کوئین و ویلسون، ۲۰۱۶). مسئولیت‌پذیری، بسیاری از عملکردهای فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. هرگونه پیشرفت در امور تحصیلی و یا تکالیف روزانه، مستلزم آن است که دانش‌آموزان در قبال تکالیف مدرسه و وظایف محول رفتاری مسئولانه داشته باشند (هولدورف و گرینوالد^۳، ۲۰۱۸).

هدف کلی آموزش و پرورش در هر جامعه این است که هر فرد را طبق الگوی اعتقادات و ارزش‌های فرهنگی، دینی، اجتماعی و سیاسی خود تربیت کند و انسانی متناسب و شایسته آن جامعه تحویل دهد. مدرسه، آینه جامعه و سلسله‌مراتب اجتماعی در چارچوب نظام آموزش و پرورش است که در محیط اجتماعی پیوسته در حال تغییر و تحول فعالیت می‌کند و مستقیم یا غیر مستقیم بر جامعه اثر می‌گذارد (آگوستینی، جوسین و مینکوت - هنریکسون^۴، ۲۰۱۵). مرور پژوهش‌ها مشخص می‌سازد که حرکت مدارس و فعالیت‌های آموزشی و تربیتی آن‌ها در مسیر توسعه و پیشرفت جامعه و فرد است و مدرسه به‌عنوان محلی برای تمرین عملی مشارکت مدنی و ایجاد حس مسئولیت‌پذیری در افراد است (تورکهرامان، ۲۰۱۵؛ هودا^۵ و همکاران، ۲۰۱۸). اهمیت و نقش دانش‌آموزان به‌عنوان باارزش‌ترین سرمایه‌های یک جامعه بر کسی پوشیده نیست. این سرمایه‌های ارزشمند، هنگامی می‌توانند موجب تعالی خود و کشور شوند که تمام ابعاد وجودی‌شان (فردی^۶ و

-
1. Aulak, Quinn & Wilson
 2. Escartí
 3. Holdorf & Greenwald
 4. Augustiniene, Jociene & Minkute-Henrikson
 5. Huda
 6. Individual

اجتماعی) به‌درستی رشد و نمو کرده باشد. بخش بزرگی از رشد و تعالی هر شخص در دوران ابتدایی و مدرسه شکل می‌گیرد (صاحبی، زالی‌زاده و زالی‌زاده، ۱۳۹۴). این مطالب حکایت از این دارد که جامعه نیازمند افراد مسئولیت‌پذیر است (لئو و وو^۱، ۲۰۱۶؛ جوانگ و هوانگ^۲، ۲۰۱۸) و ما در این پژوهش به دنبال رشد مسئولیت‌پذیری هستیم.

آینده، نیازمند انسان‌هایی مسئول با توانایی انتخاب بیشتر است، کسی که بتواند بر اساس احتیاج خود نه بر اساس طرح‌ریزی دیگران برای خود، برنامه‌ریزی کند (برور^۳، ۲۰۱۳). گلاسر (۲۰۱۲) در نظریه، خود بیان می‌دارد افراد برای برخورداری از احساسات بهتر نسبت به زندگی باید مسئولیت‌پذیر باشند. با اندکی تعمق می‌توان دریافت، علت اصلی بی‌توجهی به دردها و نابسامانی‌ها نداشتن نظارت عمومی و وجود تکیه‌گاه‌های فکری خطرناک نیست، بلکه ناشی از بی‌مسئولیتی یا فرار از مسئولیت و شانه خالی کردن از زیر بار آن است؛ بنابراین، امروزه چه‌بسا افرادی را شاهدیم که از خود سلب مسئولیت می‌کنند تا از کشمکش‌های ذهنی، خود را رهایی بخشند و از قید تلاش‌ها و فعالیت‌های خسته‌کننده، نجات دهند (البرزی، بنیسی، زمردی، ۱۴۰۰). حال آنکه اگر در هر جامعه و تمدنی سعی بر آن باشد که در کنار دانش‌آموزی، مهارت‌آموزی و از آن جمله مسئولیت‌پذیری نیز گنجانده شود، می‌توان به پیشرفت و ترقی آن جامعه دل بست. مسئولیت‌پذیر بودن اعضای یک جامعه، می‌تواند آینده‌ای روشن برای آن جامعه و ملتش رقم زند. با توجه به اینکه یکی از دوران طلایی زندگی، دوران آموزش ابتدایی است؛ می‌توان آموزش صحیح مسئولیت‌پذیری را از این زمان و در مدارس ابتدایی، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین بخش‌های تربیت آینده‌سازان کشور آغاز کرد و این مهم زمانی میسر می‌شود که الگویی برای رشد مسئولیت‌پذیری وجود داشته باشد.

در بررسی پیشینه پژوهش، رابطه متغیرهای زیادی با مسئولیت‌پذیری بررسی شده است. نتایج مطالعات دودمان (۱۳۹۷) نشان داد شیوه‌های فرزندپروری والدین بر مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان دبیرستانی می‌تواند اثربخش باشد و از بین سه شیوه فرزندپروری؛ شیوه اقتدار منطقی والدین تأثیر مثبت بیشتری بر مسئولیت‌پذیری فرزندان دارد. نتایج تحقیقات کاظم‌پور، قدیری و اسلامی (۱۳۹۶)

-
1. Liu & Wu
 2. Chuang & Huang
 3. Brewer

نشان داد که آموزش راهبردهای خودتنظیمی بر احساس تعهد درونی (احساس مسئولیت)، تعهد بیرونی (مسئولیت‌پذیری) دانش‌آموزان تأثیر مثبت دارد. در پژوهشی غریبی (۱۳۹۶) نشان داد که آموزش مهارت حل مسئله، راهبردی کارآمد و سودمند برای افزایش مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان است. تحقیقات هلاجیان و سعدی‌پور (۱۳۹۵) حاکی از آن است که استفاده از روش آموزشی ایفای نقش توانسته است، بر مسئولیت‌پذیری و تمامی مؤلفه‌های آن، یعنی خودمدیریتی، نظم‌پذیری، قانونمندی، امانت‌داری، وظیفه‌شناسی و پیشرفت‌گرایی، اثرگذار باشد. صاحبی و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی نشان دادند که می‌توان از مؤلفه‌های محوری در تئوری انتخاب چون نیازهای روانی و دنیای مطلوب، اهمیت روابط انسانی و هویت موفق سخن به میان آورد که ضمن مسئولیت‌پذیرکردن افراد در زندگی شخصی و فردی، در جهت ایجاد احساس مسئولیت و تعهد اجتماعی نیز مؤثر باشند. پژوهش یزدان‌پناه و حکمت (۱۳۹۳) نشان می‌دهد که احساس عزت‌نفس، شیوه فرزندپروری منسجم، اعتماد تعمیم‌یافته، پایگاه اقتصادی اجتماعی صمیمی و پاسخگو، مشارکت اجتماعی رسمی و غیر رسمی، اعتماد اجتماعی، متغیرهای تأثیرگذار بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی هستند. همچنین، رابطه مسئولیت‌پذیری با متغیرهایی مانند فرسودگی تحصیلی (آلاک، کوئین ویلسون، ۲۰۱۶)؛ ویژگی‌های شخصیت (هولدورف و گرینوالد، ۲۰۱۸)؛ اسکارت و همکاران، ۲۰۱۵) نیز انجام شده است. نتایج پژوهش‌های متعدد نشان می‌دهد که رفتار مسئولانه در روابط بین‌فردی سبب انعطاف‌پذیری، سازگاری اجتماعی و در نهایت، موفقیت در زندگی خواهد شد. رفتار غیر مسئولانه نیز موجبات رفتار خودخواهانه و اغتشاش در مناسبات اجتماعی را فراهم می‌کند (مک لود، ۲۰۱۸)؛ ووگتلین، ۲۰۱۶). بنا به آنچه بحث شد، در تمام تحقیقات مرتبط با این حوزه به صورت محدود به شناسایی عواملی درباره مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان پرداخته شده؛ و نیاز است تا به صورت جامع و کامل به شناسایی عوامل مؤثر بر رشد مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان مدارس ابتدایی پرداخته شود؛ بنابراین، پژوهش حاضر بر آن است تا به این سؤال پاسخ دهد: الگوی مناسب رشد مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان مدارس ابتدایی چیست؟

-
1. Aulak, Quinn & Wilson
 2. MacLeod
 3. Voegtlin

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر جهت‌گیری، اکتشافی و از نظر هدف، کاربردی است. نوع پژوهش، کیفی و از روش داده‌بنیاد استفاده کرده و برای تعیین عوامل و شرایط مؤثر بر رشد مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان دوره ابتدایی صورت گرفته است، تا بتوان از طریق بهره‌گیری از نظرات خبرگان حوزه روان‌شناسی و مشاوره کودک به الگویی برای رشد مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان این دوره دست یافت. محیط پژوهش شامل تمام کارشناسان و متخصصان دارای مدرک کارشناسی ارشد و دکتری در رشته‌های روان‌شناسی، مشاوره کودک است که برای مدتی در زمینه کودک فعالیت داشته‌اند و آشنا به مدارس ابتدایی بوده‌اند. در پژوهش حاضر، محقق با استفاده از روش نمونه‌گیری نظری، با ۲۱ نفر از صاحب‌نظران، متخصصان مصاحبه عمیق نیمه‌ساختاریافته انجام داد. بدین منظور، ابتدا محقق با مراجعه به فردی کلیدی فرایند مصاحبه را شروع کرد و در ادامه، مصاحبه‌شوندگان، متخصصان خبره بعدی را برای مصاحبه معرفی کردند. انجام مصاحبه تا جایی ادامه یافت که در مصاحبه با نفر بیست و یکم احساس شد که پاسخ‌ها تقریباً شبیه به هم شده و به اصطلاح مصاحبه به نقطه اشباع خود رسیده است.

افراد انتخاب‌شده در این پژوهش، برای مصاحبه شامل ۲۱ تن از متخصصان و صاحب‌نظران رشته روان‌شناسی و مشاوره بوده که دامنه سنی ۲۸ تا ۵۴ داشتند. مصاحبه‌شوندگان را تعداد ۱۰ مرد و ۱۱ زن تشکیل دادند. از لحاظ سطح تحصیلات نیز تعداد ۷ نفر دارای مدرک کارشناسی ارشد و ۴ نفر دانشجوی دکتری و ۱۰ نفر دارای مدرک دکتری بوده‌اند. این افراد بین ۴ تا ۲۵ سال دارای سابقه کار در حوزه فعالیت خود بوده. همه افراد مشاور تخصصی کودک و نوجوان بودند (جدول ۱).

جدول ۱. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مصاحبه‌شوندگان

ردیف	جنسیت	تحصیلات	سابقه کار	حوزه تخصصی
۱	زن	کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی	۶	مشاور تخصصی کودک و نوجوان و شاغل در حوزه ابتدایی
۲	زن	کارشناسی ارشد راهنمایی و مشاوره	۱۲	مشاور تخصصی کودک و نوجوان
۳	زن	دکتری روان‌شناسی تربیتی	۲۰	مشاور تخصصی کودک و نوجوان

ردیف	جنسیت	تحصیلات	سابقه کار	حوزه تخصصی
۴	زن	دکتری روان‌شناسی عمومی	۱۵	مشاور تخصصی کودک و نوجوان
۵	زن	دانشجوی دکتری روان‌شناسی عمومی	۱۱	مشاور تخصصی کودک و نوجوان
۶	مرد	دانشجوی دکتری مشاوره و راهنمایی	۲۲	آموزگار ابتدایی و مشاور تخصصی کودک و نوجوان
۷	زن	دکتری روان‌شناسی تربیتی	۱۵	مدرس دانشگاه در حوزه ابتدایی و مشاور تخصصی کودک و نوجوان
۸	مرد	دکتری روان‌شناسی تربیتی	۱۴	مدرس دانشگاه در حوزه ابتدایی و مشاور تخصصی کودک و نوجوان
۹	زن	دکتری روان‌شناسی تربیتی	۶	مدرس دانشگاه در حوزه ابتدایی و مشاور تخصصی کودک و نوجوان
۱۰	زن	دانشجوی دکتری روان‌شناسی تربیتی	۱۵	مدرس دانشگاه در حوزه ابتدایی و مشاور تخصصی کودک و نوجوان
۱۱	مرد	دکتری روان‌شناسی عمومی	۲۵	مدرس دانشگاه در حوزه ابتدایی و مشاور تخصصی کودک و نوجوان
۱۲	زن	کارشناس ارشد روان‌شناسی تربیتی	۲۱	آموزگار ابتدایی و مشاور تخصصی کودک و نوجوان
۱۳	مرد	دکتری روان‌شناسی تربیتی	۷	مشاور تخصصی کودک و نوجوان
۱۴	مرد	دکتری روان‌شناسی تربیتی	۲۵	مشاور تخصصی کودک و نوجوان
۱۵	مرد	دکتری مشاوره و راهنمایی	۱۲	مشاور تخصصی کودک و نوجوان
۱۶	زن	دکتری روان‌شناسی عمومی	۱۰	مشاور تخصصی کودک و نوجوان
۱۷	مرد	کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی	۵	آموزگار ابتدایی و مشاور تخصصی کودک و نوجوان
۱۸	زن	کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی	۱۵	مدرس دانشگاه در حوزه ابتدایی و مشاور تخصصی کودک و نوجوان
۱۹	مرد	دانشجوی دکتری روان‌شناسی تربیتی	۶	مشاور تخصصی کودک و نوجوان
۲۰	مرد	کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی	۶	مشاور تخصصی کودک و نوجوان
۲۱	مرد	دانشجوی دکتری مشاوره و راهنمایی	۴	مدرس دانشگاه در حوزه ابتدایی و مشاور تخصصی کودک و نوجوان

به منظور سنجش روایی پژوهش، گزارش نهایی تحلیل داده‌ها و مقوله‌های به دست آمده، همراه با متن مصاحبه به سه نفر از مصاحبه‌شوندگان داده شد و از نظرات آن‌ها در کدگذاری‌ها و تدوین الگو استفاده شد و این روند حدود دو ماه طول کشید. به علاوه فرایند کدگذاری‌ها توسط سه نفر از اساتید خبره که خودشان از مصاحبه‌شوندگان نبودند بررسی شد و پیشنهادهای آن‌ها در طراحی الگو مد نظر قرار گرفت. در این پژوهش، از پایایی بازآزمون (شاخص ثبات) و روش توافق درون‌موضوعی (شاخص تکرارپذیری) برای بررسی و محاسبه پایایی مصاحبه‌ها، استفاده شده است. نتایج بررسی مصاحبه‌های کدگذاری‌شده در این پژوهش با شاخص پایایی بازآزمون ۸۴ درصد و با شاخص توافق درون‌موضوعی ۷۷ درصد محاسبه شده است. با توجه به اینکه میزان پایایی بیشتر از ۶۰ درصد است یا قابلیت اعتماد کدگذاری‌ها تأیید می‌شود (کوال، ۱۹۹۶). همچنین، روایی در پژوهش کیفی با توجه به رویکرد طبیعت‌گرایانه و کثرت‌گرایی در آن، به فرایند و گام‌های اساسی پژوهش و توانایی‌های پژوهشگر در اجرای آن‌ها بستگی دارد. روایی یا اعتبار در مرحله کیفی به‌ویژه مصاحبه‌های کیفی ناظر بر دو موضوع واقعیت و دانش است. برای این منظور در مراحل هفت‌گانه پیشنهادی پژوهش کیفی شامل: تعیین موضوع، طراحی، موقعیت و شرایط مصاحبه، یادداشت‌برداری مصاحبه‌ها، تجزیه و تحلیل، تأیید و گزارش‌دهی اعتبار یا روایی به صورت گام‌به‌گام بررسی و تأیید شد. همچنین، پژوهشگر در راستای توانمندسازی خود و تحقق مصاحبه‌هایی صحیح و بادقت، ابتدا اقدام به انجام دو مصاحبه به صورت آزمایشی نمود و پس از تحلیل نتایج آن مصاحبه‌ها و مقایسه با اهداف و سؤالات پژوهش، اصلاحاتی را در سؤالات انجام داد تا سبب بالارفتن دقت ابزار تحقیق شود.

داده‌های پژوهش از طریق فرایند کدگذاری مبتنی بر طرح نظام‌دار برخاسته از داده‌ها، تحلیل شدند. در این روش، مراحل تحلیل داده‌ها از طریق کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی انجام می‌شود. در کدگذاری باز، پژوهشگر متون مکتوب مصاحبه‌ها را به اجزاء کوچک‌تری تقسیم می‌کند. در کدگذاری محوری، مقوله‌ها به مقوله‌های فرعی متصل می‌شوند تا توضیح‌های دقیق‌تر و کامل‌تر از پدیده‌ها شکل یابند. کدگذاری گزینشی فرایند یکپارچه‌سازی و پالایش نظریه

است. این سه مرحله لزوماً از یکدیگر مجزا نبوده و در فرایند تحقیق به تکمیل یکدیگر یاری می‌رسانند (استراوس و کوربین، ۱۳۹۵).

یافته‌های پژوهش

پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این سؤال بود که الگوی رشد مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان مدارس ابتدایی بر اساس نظریه داده‌بنیاد چیست؟ از آنجا که مناسب‌ترین استراتژی برای پژوهش حاضر، استراتژی گراند تئوری با روش پارادایمی بود، پژوهشگر با استفاده از اطلاعات کیفی ابتدا کدگذاری باز را انجام داد.

کدگذاری باز

در این بخش، مصاحبه‌های انجام‌شده پاراگراف‌بندی گردید و هر یک در جدولی تنظیم شد و به‌منظور سهولت در روند تحلیل، مطابق با روش کدگذاری باز، به‌صورت مفاهیم و کد مفهوم درآمد. در نهایت، ۷۷۴ کد مفهوم اولیه از مصاحبه‌های پیاده‌شده استخراج شد. در جدول ۲، قسمت کوتاهی از مصاحبه نفر اول پیاده‌سازی شده در فرایند کدگذاری باز آورده شده است.

جدول ۲. نمونه‌ای از مفاهیم استخراج‌شده در اولین مصاحبه و کدهای مفهومی در کدگذاری باز

کد مفهومی	مفاهیم استخراج‌شده
- واگذاری برخی مسئولیت‌ها در مدرسه به دانش‌آموزان	در مدرسه، معلم‌ها می‌توانند باتوجه به محیط و موقعیت مدرسه، یک‌سری از مسئولیت‌ها را در اختیار دانش‌آموزان بگذارند. مثل نظافت مدرسه، بعضی از کارهای معلم و کلاسی، وظیفه کاشت، مراقبت و رشد یک گیاه (مثل خیلی از مدارس کشورهای پیشرفته)، مراقبت و نگهداری از برخی از حیوانات یا پرندگان در خانه و یا مدرسه و کسب نمره یا امتیاز در برابر موفقیت. تدریس یا پرسش درس توسط دانش‌آموز. کمک دانش‌آموزان قوی‌تر به دانش‌آموزان ضعیف‌تر، این کمک می‌تونه در هر زمینه‌ای باشه، یکی در یک درس قوی هست، یکی در یک مهارت و... هر دانش‌آموزی یک دانش‌آموز دیگه رو زیر پوشش خودش بگیره. این‌ها می‌تونه به رشد مسئولیت‌پذیری کمک کنه.
- اعطای امتیاز به کسب موفقیت در مسئولیت‌های واگذارشده به دانش‌آموزان	
- حمایت دانش‌آموزان قوی از افراد ضعیف در زمینه‌های مختلف	

کد مفهومی	مفاهیم استخراج شده
- تلاش در زندگی	یکی از زمینه‌های مسئولیت‌پذیری، تلاش برای معاش و کسب‌وکار هست و این خودش زیرساخت اقتصادی هست.
- توجه ویژه به آموزش کودکان - توجه به آموزش بزرگسالان	یادگیری و نقش و زمینه‌ای که در کودکی ایجاد می‌شود مثل حک‌کردن مطلبی روی سنگ هست، بنابراین، اگر واقعاً یک جامعه مسئولیت‌پذیر می‌خواهیم بالاچار باید از کودکانمان شروع کنیم. منتهی حرف من این نیست که بزرگ‌ترها را رها کنیم به امان خدا و آن‌ها آموزش و بررسی و نظارت نیاز ندارند، نه؛ اگر جامعه مسئولیت‌پذیر می‌خواهیم، بهتر هست از کودکانمان شروع کنیم.
- لزوم توجه به الگوها در خانواده - لزوم تغییر سبک زندگی	در خانواده باید به الگوها توجه شود. بچه‌ها از پدر و مادر و الگوها یاد می‌گیرند؛ اما پدر و مادری که خودشان در منزل مسئولیت‌پذیر نیستند، چه‌طور می‌توانند به بچه‌هایشان مسئولیت‌پذیری یاد دهند؟!
- محول کردن بعضی از مسئولیت‌ها در مدارس به دانش‌آموزان - نظارت بر مسئولیت‌های واگذار شده به دانش‌آموزان	راهکارهای بسیار ساده‌ای هم در مدارس وجود دارد. باید مسئولیت‌ها در مدارس به بچه‌ها واگذار شود و کارها به آن‌ها داده شود و بر کار آن‌ها نظارت شود.

کدگذاری محوری

در این مرحله، محقق پس از تأمل و تفکر بسیار پیرامون موضوع به چینش منطقی مفاهیم پیرامون سؤالات و پارادایم‌های کلی شامل موجبات علی، شرایط محیطی، شرایط زمینه‌ای، استراتژی‌ها یا راهبردهای تعاملی و پیامدهای پدیده پرداخته است. موجبات علی عبارت از مجموعه رویدادها و حوادثی است که موقعیت‌ها و مسائل و امور مربوط به یک پدیده را خلق می‌کنند و تا حد معین چگونگی و چرایی پاسخ افراد و گروه‌ها را نسبت به آن شرایط توضیح می‌دهند (استراوس و کوربین، ۱۳۹۵). بر اساس دیدگاه مشارکت‌کنندگان در پژوهش ۴ مؤلفه به‌عنوان موجبات علی شناسایی شد که شامل موارد زیر هستند:

خانواده: محیط خانواده، سبک فرزندپروری والدین، افراط و تفریط در رفتار والدین، تعارض‌های

تربیتی در خانواده، سبک زندگی خانواده، ویژگی‌های شخصیتی والدین

- یادگیری مشاهده‌ای:** یادگیری مشاهده‌ای، الگوهای موجود در خانواده، الگوهای موجود در مدرسه، همسالان، الگوهای منفی، اولویت داشتن عمل به گفتار
- آموزش و پرورش:** نقش آموزش و پرورش، مدرسه، آموزش، نقص در آموزش مهارت‌های زندگی، مشاور مدرسه، نقش معلم، مهارت‌های معلم، محتوای درسی
- ویژگی‌های فردی:** تحلیل مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که علاوه بر شرایطی که به طور مستقیم بر رشد مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان اثرگذار بوده‌اند، عواملی وجود دارند که در ارتباط با این شرایط هستند و موجب تسریع یا تخفیف آن می‌شوند. استراوس و کوربین این شرایط را مداخله‌گر می‌دانند (استراوس و کوربین، ۱۳۹۵). بر این اساس، مهم‌ترین عوامل محیطی در رشد مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان از دیدگاه مصاحبه‌شوندگان عبارت‌اند از:
- **عوامل اقتصادی:** وضعیت اقتصادی خانواده، وضعیت اقتصادی معلم، بودجه آموزش و پرورش، وضعیت اقتصادی دولت
 - **عوامل سیاسی:** سیاست‌های حاکم بر جامعه، تأثیر سیاست‌گذاری‌ها بر خانواده، رعایت قانون و مقررات
 - **عوامل اجتماعی:** روابط بین فردی، محیط اجتماعی، فرهنگ، موانع مدرسه‌ای
 - **عوامل فناورانه:** رسانه‌های ارتباط جمعی، فضای مجازی
 - **عوامل ارزشی**
 - **عوامل زیست‌محیطی:** محیط امن، محیط زیست
- شرایط زمینه‌ای مجموعه خاصی از شرایط (شکل‌های شرایط) اند که در یک زمان و مکان خاص جمع می‌آیند تا مجموعه اوضاع و احوال یا مسائلی را به وجود آورند که اشخاص با عمل/تعامل‌های خود به آن‌ها پاسخ دهند (استراوس و کوربین، ۱۳۹۵). تحلیل کدگذاری‌های باز و محوری، شرایط زیر را به‌عنوان شرایط زمینه‌ای در رشد مسئولیت‌پذیری معرفی می‌کند:
- **نیازسنجی:** نیازسنجی در خانواده، نیازسنجی در مدرسه
 - **آسیب‌شناسی**

- فرصت‌های زمینه‌ساز: تقویت توانایی‌های کودکان، همکاری خانه و مدرسه، جو مدرسه، ایجاد فرصت‌های عملی
- ویژگی‌های فردی زمینه‌ساز: ارتقای فردی، رشد دینی و اخلاقی
- زیرساخت‌های کلان: اجرای طرح‌های موفق، فعالیت‌های کلان
- راهبردها، اصطلاحی است که برای اشاره به تاکتیک‌های راهبردی و طرز عمل عادی و روتین و چگونگی مدیریت موقعیت‌ها توسط افراد در مواجهه با مسائل و امور به کار می‌روند (استراوس و کوربین، ۱۳۹۵).
- بر اساس تحلیل پاسخ‌های داده‌شده از طرف مصاحبه‌شوندگان مقوله‌های اصلی و فرعی راهبردها عبارت‌اند از:
 - راهبردهای مربوط به خانواده: واگذاری مسئولیت به فرزندان، وضوح انتظارات، توجه به تمام ابعاد وجودی فرزندان.
 - راهبردهای مدرسه‌ای: واگذاری مسئولیت، توجه به تفاوت‌های فردی، کارگروهی، آگاه‌سازی خانواده.
 - راهبردهای آموزشی: آموزش والدین قبل از فرزندآوری، آموزش والدین پس از فرزندآوری، آموزش مهارت‌های زندگی به کودک، آموزش مسئولیت‌پذیری به کودکان، آموزش به معلمان، استفاده از شیوه‌های مختلف در آموزش مسئولیت‌پذیری، آموزش رسانه‌ای.
 - راهبردهای نظارتی: نظارت منطقی بر مسئولیت‌های واگذارشده، تمرین مسئولیت‌پذیری.
 - راهبردهای انگیزشی: استفاده از انگیزش درونی، استفاده از انگیزش بیرونی.
 - تلاش فردی: هر جا انجام / عدم انجام راهبردهای معینی در پاسخ به امر یا مسئله‌ای یا به‌منظور اداره یا حفظ موقعیتی از سوی فرد یا افرادی انتخاب شود، پیامدهایی پدید می‌آید (استراوس و کوربین، ۱۳۹۵).
- پیامدهای رشد مسئولیت‌پذیری از دیدگاه مصاحبه‌شوندگان عبارت‌اند از:
 - پیامدهای فردی: رشد ویژگی‌های شخصیتی و روان‌شناختی، رشد مهارت‌های اجتماعی،

رضایت از زندگی، کسب موفقیت، دوراندیشی، افزایش کارایی، پرورش افرادی مسئولیت‌پذیر، کاهش مشکلات خانوادگی، نوع دوستی، رشد اقتصاد فردی .

- پیامدهای اجتماعی: کاهش آسیب‌های اجتماعی، ارتقای جامعه، آرامش اجتماعی، رشد اخلاق دینی، بهبود محیط زیست، رشد اقتصاد جامعه، رعایت الگوی مصرف.

در این پژوهش، در مرحله کدگذاری محوری، ۲۳ مقوله اصلی و ۸۴ مقوله فرعی شناسایی شد. در جدول ۳ نمونه‌ای از کدگذاری محوری آورده شده است.

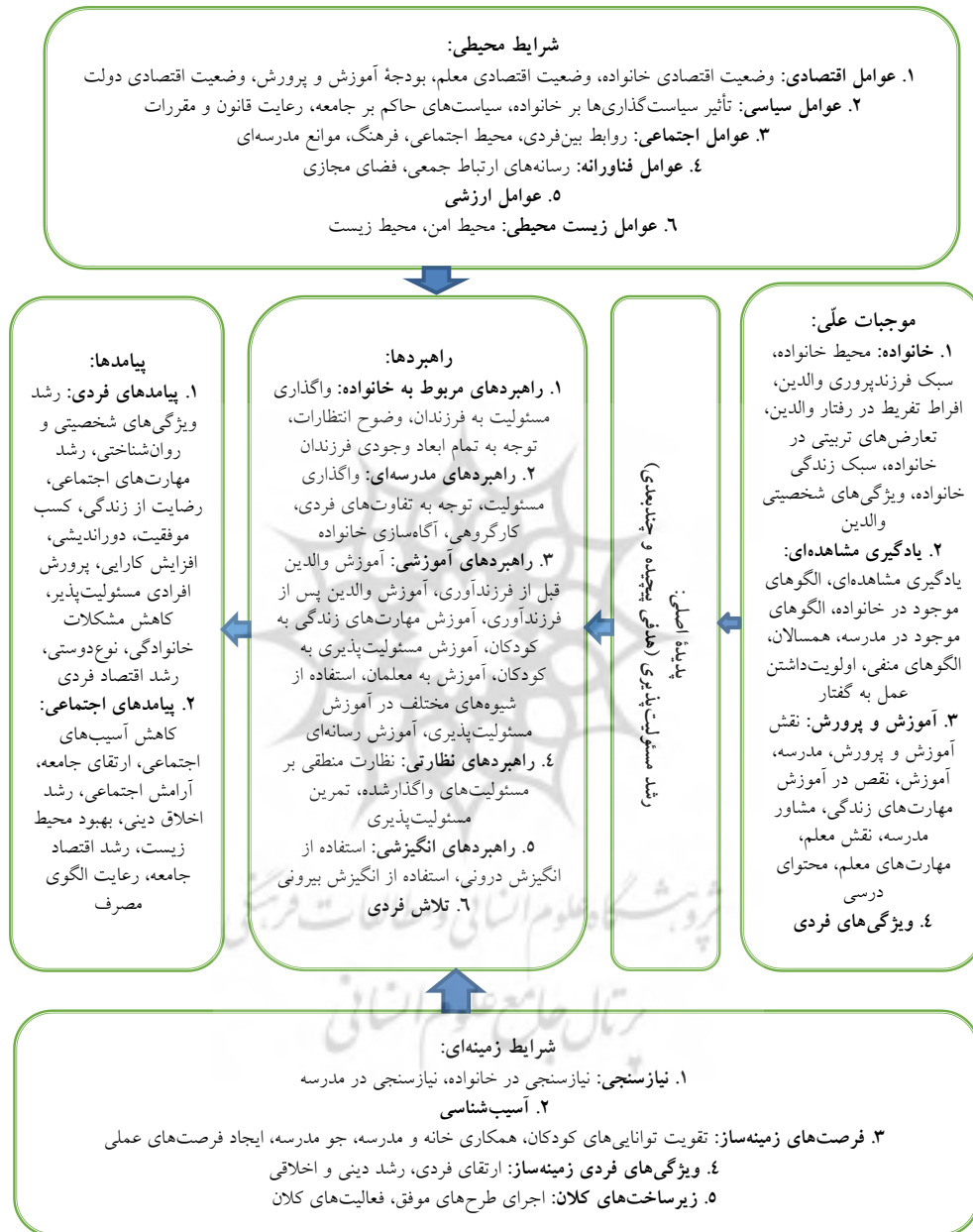
جدول ۳. نمونه‌ای از کدگذاری محوری

مقوله اصلی	مقوله فرعی	کد مفهوم
خانواده	تعارض‌های تربیتی در خانواده	۱. تربیت‌های دوگانه بین والدین و پدربزرگ - مادربزرگ ۲. آموختن برخی مسائل قبل از سن دبستان از طریق خرده‌سیستم‌ها ۳. تعارض و دوگانگی تربیتی ۴. مقاومت و حمایت‌های نا به‌جای پدربزرگ و مادربزرگ در مقابل تصمیم‌های تربیتی والدین ۵. تربیت کودک توسط مادربزرگ‌ها
	سبک زندگی خانواده	۱. تغییر سبک زندگی مانع مسئولیت‌پذیری ۲. تک‌فرزندی مانع رشد مسئولیت‌پذیری ۳. لزوم ایجاد تغییر در ساختار خانواده ۴. لزوم تغییر سبک زندگی
	ویژگی‌های شخصیتی والدین	۱. بیماری‌های روانی والدین مانع رشد مسئولیت‌پذیری ۲. وسواس والدین ۳. آسیب‌زدن به رشد مسئولیت‌پذیری کودک توسط مادران کمال‌گرا ۴. اهمیت صبر و بردباری خانواده ۵. لزوم داشتن ثبات رفتاری در برخورد با کودکان
عوامل اجتماعی	روابط بین فردی	۱. دفاع و فرافکنی بالا در جامعه، نتیجه بی‌مسئولیتی ۲. تعامل با افراد و اجتماع ۳. تأثیر جو حاکم بر روابط فرد با دیگران ۴. یادگیری انداختن گناه خود به گردن دیگران، بستری برای بی‌مسئولیتی ۵. حفظ ارتباطات اجتماعی برای تقویت اعتماد اجتماعی عام و تعمیم‌یافته ۶. تأثیر اعتماد اجتماعی بین شخصی و اعتماد تعمیم‌یافته و نمادی

مقوله اصلی	مقوله فرعی	کد مفهوم
	محیط اجتماعی	۱. تأثیر جو حاکم بر جامعه بر مسئولیت‌پذیری ۲. تأثیر محیط اجتماعی که فرد در آن زندگی می‌کند. ۳. تأثیر جامعه ۴. تأثیرپذیری بچه‌ها از بافت نظام اجتماعی
	موانع مدرسه‌ای	۱. حجم بالای کتب درسی ۲. نبود رابطه عاطفی کافی بین معلم و دانش‌آموزان به دلیل جمعیت بالای کلاس ۳. وجود فکر غلط زیاد بودن حجم کتب درسی در بین معلمان ۴. زیاد بودن تعداد دانش‌آموزان در کلاس درس، بهانه‌ای برای مسئولیت‌گریزی ۵. تعداد زیاد دانش‌آموزان در کلاس درس

کدگذاری گزینشی

کدگذاری گزینشی، آخرین گام در تحلیل است. هنگامی یافته‌های تحقیق شکل نظریه به خود می‌گیرد که یکپارچه‌سازی و پالایش مقوله‌ها انجام شود و مقوله‌ها به یکدیگر پیوندند و طرح نظری بزرگ‌تری را به وجود آورند. اولین گام در یکپارچه‌سازی، تعیین مقوله مرکزی است. مقوله مرکزی که گاه آن را مقوله هسته خوانده‌اند، نمایانگر مضمون اصلی پژوهش است. اگرچه مقوله مرکزی از درون پژوهش بیرون می‌آید، باز یک مفهوم انتزاعی است. با قدری اغراق، مقوله مرکزی حاصل همه تحلیل را در قالب چند کلمه می‌ریزد. این چند کلمه به ما می‌گویند که کل پژوهش در باب چیست. در پژوهش حاضر جوهر پژوهش را می‌توان در عبارت رشد مسئولیت‌پذیری بیان کرد. در این پژوهش برای یکپارچه‌سازی مفهوم و تشکیل نظریه، از تکنیک سیر داستان استفاده شده است.



شکل ۱. الگوی نظری رشد مسئولیت‌پذیری

الگوی تدوین شده در شکل ۱، ۲۳ مقوله اصلی و ۸۴ مقوله فرعی در قالب ابعاد شش‌گانه مدل پارادایمی شامل موجبات علی (چهار مقوله)، پدیده اصلی (رشد مسئولیت‌پذیری)، راهبرد (شش مقوله)، ویژگی‌های زمینه‌ای (پنج مقوله)، شرایط محیطی (شش مقوله) و پیامد (دو مقوله)، الگوی رشد مسئولیت‌پذیری برای دانش‌آموزان مدارس ابتدایی را نشان می‌دهد.

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش به طراحی الگوی رشد مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان پرداخته است. نتایج تحلیل داده‌های کیفی به دست آمده از مصاحبه، طراحی الگوی پارادایمی، رشد مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان با ۲۳ مقوله اصلی و ۸۴ مقوله فرعی در قالب ابعاد شش‌گانه بود. در این بخش، پاسخ به سؤالات پژوهش بررسی شده است.

- موجبات علی رشد مسئولیت‌پذیری در دانش‌آموزان مدارس ابتدایی کدام‌اند؟

یافته‌ها حاکی از آن است موجبات علی رشد مسئولیت‌پذیری شامل خانواده (سبک زندگی خانواده، ویژگی‌های شخصیتی والدین)، یادگیری مشاهده‌ای (الگوهای موجود در خانواده، الگوهای موجود در مدرسه، همسالان، الگوهای منفی، اولویت‌داشتن عمل به گفتار)، آموزش و پرورش (نقش آموزش و پرورش، مدرسه، آموزش، نقص در آموزش مهارت‌های زندگی، مشاور مدرسه، نقش معلم، مهارت‌های معلم، محتوای درسی) و ویژگی‌های فردی است. نتایج پژوهش‌های دودمان (۱۳۹۷)، یزدان‌پناه و حکمت (۱۳۹۳)، و کاظم‌پور، قدیری و اسلامی (۱۳۹۶)، با این بخش از تحقیق مطابقت دارد.

روحانی (۱۳۹۰) بیان کرد اصولاً خانواده، اولین محیطی است که فرد در آن شروع به رشد می‌کند و بالنده می‌شود و اعضای خانواده اولین افرادی هستند که انسان با آن‌ها به تعامل می‌پردازد؛ بنابراین، می‌توان گفت اولین گام برای رشد مسئولیت‌پذیری از درون محیط خانواده برداشته می‌شود. (دودمان، ۱۳۹۷)؛ در بین اعضای خانواده، پررنگ‌ترین نقش را برای تربیت کودک، پدر و مادر ایفا می‌کنند. در حقیقت، والدین برای تربیت فرزندان خود یک سبک و شیوه فرزندپروری انتخاب می‌کنند و بر اساس آن گام برمی‌دارند. تحقیقات نشان داده است که فرزندان والدینی که با سبک فرزندپروری

مقتدرانه پرورش یافته‌اند از میزان مسئولیت‌پذیری بالاتری نسبت به فرزندان والدینی که با سبک‌های فرزندپروری سخت‌گیرانه و سهل‌گیرانه پرورش یافته‌اند، برخوردارند (گوردون، ۲۰۰۳). همچنین، کنترل‌کردن بیش از حد کودک یا کنترل‌نکردن او، استقلال‌ندادن یا بیش از حد استقلال‌دادن به او، حمایت‌های افراطی یا بی‌توجهی، افراط و تفریط‌ها در تربیت، ویژگی‌های شخصیتی والدین موجب بروز دوگانگی تربیتی می‌شود که در رشد مسئولیت‌پذیری تأثیر دارد.

به علت اهمیت جهانی به موضوع مسئولیت‌پذیری، مسائلی است که تنها با اقدامات دولت‌ها و سازمان‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی حل نمی‌شود؛ بلکه نیازمند تغییر وسیع در سبک زندگی مردم است. داشتن سبک زندگی عاقلانه، منطقی و متعادل در تمام امور مشترک زندگی می‌تواند گامی دیگر به سوی تربیت فرزند مسئولیت‌پذیر باشد (بهزادی و محمودی، ۱۳۹۷). کودکان با مشاهده طرز رفتار والدین با یکدیگر، مسئولیت‌پذیری را فرامی‌گیرند. همچنین، مشاهده مسئولیت‌پذیری معلم، دوستان و هم‌کلاسی‌ها به‌عنوان الگو، یکی از عوامل اصلی یادگیری مسئولیت‌پذیری است. علاوه بر عواملی که به‌عنوان عوامل اصلی مؤثر بر رشد مسئولیت‌پذیری بیان شد، خود فرد و ویژگی‌های او نیز بر سرنوشت او مؤثر هستند. از جمله ویژگی‌هایی که بر روند رشد مسئولیت‌پذیری در فرد مؤثر است، اهداف و انگیزه‌های فرد، میزان خودکنترلی، عزت نفس، خویشتن‌داری، کنجکاوی و... را می‌توان نام برد.

- پدیده اصلی رشد مسئولیت‌پذیری در دانش‌آموزان مدارس ابتدایی چیست؟

در پاسخ به این سؤال از پژوهش، رشد مسئولیت‌پذیری را به‌عنوان پدیده اصلی پژوهش معرفی شد و موجبات آن را بسترها، راهبردها و شرایط محیطی در آن را برشمرده‌اند. در پژوهش حاضر جوهر پژوهش را می‌توان در عبارت رشد مسئولیت‌پذیری بیان کرد. پژوهش حاضر به دنبال آن بود که بداند چگونه می‌توان مسئولیت‌پذیری را که به‌عنوان یکی از شاخصه‌های سلامت روان است و تمام ابعاد جامعه را تحت پوشش خود می‌گیرد، رشد داد. چیزی که در خصوص این فرایند به چشم می‌خورد این است که گرچه عوامل و شرایط گوناگونی بر روی مسئولیت‌پذیری افراد تأثیر می‌گذارد؛ اما تأثیر خانواده و شیوه تربیتی والدین بیش از همه می‌تواند مؤثر واقع شود و به نحوی تمام عوامل

دیگر را نیز تحت‌الشعاع خود قرار دهد. همچنین، پاسخ‌های ارائه شده در طول فرایند پژوهش نشان داد که به نحوی به واگذاری و تقسیم مسئولیت در خانه و مدرسه به‌عنوان راهکاری اساسی اشاره داشتند؛ البته در این مسئولیت‌سپاری‌ها باید ویژگی‌های فردی افراد را در نظر گرفت. به‌طور کلی، مسئولیت‌پذیری هدفی پیچیده و چندبعدی است و مسئولیت‌پذیرشدن کودکان تحت تأثیر موجبات علی‌گوناگون نظیر تأثیر خانواده، یادگیری مشاهده‌ای، آموزش و پرورش و ویژگی‌های فردی قرار دارد. تأثیرپذیری کودکان از موجبات علی، منجر به اتخاذ راهبردهایی برای رشد مسئولیت‌پذیری شده که این راهبردها در بستر شرایط محیطی و زمینه‌ای شکل می‌گیرند. در نهایت، این کنش‌ها و راهبردها منتهی به نتایج و پیامدهایی شده که رشد مسئولیت‌پذیری منجر به ایجاد آن‌ها می‌شود. در مطالعات ارائه‌شده در قسمت پیشینه تحقیق نیز، رشد مسئولیت‌پذیری به‌عنوان پدیده اصلی عنوان شده است. براین‌اساس، نتایج این مطالعه با مطالعات ارائه شده در قسمت ادبیات پژوهش در مورد پدیده اصلی همسویی دارد.

- شرایط محیطی (مداخله‌گر) مؤثر بر رشد مسئولیت‌پذیری در دانش‌آموزان مدارس ابتدایی کدام‌اند؟

شرایط مداخله‌گر در این پژوهش شامل عوامل اقتصادی (وضعیت اقتصادی خانواده، وضعیت اقتصادی معلم، بودجه آموزش و پرورش، وضعیت اقتصادی دولت)، عوامل سیاسی (سیاست‌های حاکم بر جامعه، تأثیر سیاست‌گذاری‌ها بر خانواده، رعایت قانون و مقررات)، عوامل اجتماعی (روابط بین فردی، محیط اجتماعی، فرهنگ، موانع مدرسه‌ای)، عوامل فناورانه (رسانه‌های ارتباط جمعی، فضای مجازی)، عوامل ارزشی (عوامل ارزشی)، عوامل زیست‌محیطی (محیط امن، محیط زیست) دسته‌بندی شدند. نتایج پژوهش یزدان‌پناه و حکمت (۱۳۹۳) با نتایج این بخش از پژوهش مطابقت دارد.

اقتصاد خانواده و به‌طور کلی، اقتصاد جامعه، بخش مهمی از جامعه را تشکیل داده است (راغفر، ۱۳۹۶). توانایی خانواده برای رفع نیازهای مالی فرزندان می‌تواند به‌نوعی نگرش کودک را نسبت به مسئولیت‌پذیربودن والدین و مسئولان جامعه تحت تأثیر قرار دهد. سیاست‌های حاکم بر جامعه را

می‌توان یکی دیگر از شرایط محیطی و دخالت‌کننده در رشد مسئولیت‌پذیری دانست. تدوین سیاست‌های ثابت و خردمندانه و سیاست‌گذاری‌های صحیح و معقولانه، حسن نظارت بر سیاست‌ها، تأکید بر مسئولیت‌پذیر بودن سیاست‌مداران و... از جمله مواردی است که باید مد نظر تمامی سیاست‌گذاران و سیاست‌مداران قرار گیرد؛ چراکه جو سیاسی حاکم بر جامعه و میزان مسئولیت‌پذیری اهالی سیاست تأثیر بسیاری بر مسئولیت‌پذیری مردم جامعه دارد.

تلویزیون، فضای مجازی و برنامه‌های آن اصلی‌ترین بخش از رسانه‌های جمعی است که مردم به‌خصوص کودکان و نوجوانان با آن سروکار دارند. نمایش برنامه‌ها و فیلم‌های مرتبط با ارزش مسئولیت‌پذیری، برنامه‌های آموزشی رادیویی و تلویزیونی، اشاعه پیام‌ها و نوشته‌های مرتبط از طریق رسانه‌های نوشتاری یا سایر رسانه‌ها و... از جمله راه‌های انتقال عقاید، معلومات، فرهنگ و... محسوب می‌شود و محتوای آن تأثیر زیادی بر رشد مهارت‌های مختلف کودکان دارد. عوامل ارزشی از جمله عواملی هستند که بر سرعت رشد مسئولیت‌پذیری تأثیر بسزایی می‌گذارند. قانون‌گذاری‌های صحیح و معقولانه و انتظار دائمی به انجام تمامی آن‌ها یکی از راه‌های افزایش انگیزه افراد برای مسئولانه عمل کردن است؛ زیرا که در این شرایط تمام جامعه به‌صورت برابر در مقابل قانون قرار می‌گیرند و موظف به انجام وظیفه می‌شود. محیط زیست و عناصر تشکیل‌دهنده آن چون منابع آبی، خاکی، هوای سالم و غیره همگی متعلق به همه انسان‌ها هستند و از این رو، احساس مسئولیت و تعهد نسبت به سالم نگه‌داشتن آن‌ها برای همگان ضروری است (طالبی و خوش‌بین، ۱۳۹۱).

- شرایط زمینه‌ای مؤثر بر رشد مسئولیت‌پذیری در دانش‌آموزان مدارس ابتدایی کدامند؟

شرایط زمینه‌ای برای پرورش و رشد مسئولیت‌پذیری شامل نیازسنجی (نیازسنجی در خانواده، نیازسنجی در مدرسه)، آسیب‌شناسی، فرصت‌های زمینه‌ساز (تقویت توانایی‌های کودکان، همکاری خانه و مدرسه، جو مدرسه، ایجاد فرصت‌های عملی)، ویژگی‌های فردی زمینه‌ساز (ارتقای فردی، رشد دینی و اخلاقی) و زیرساخت‌های کلان (اجرای طرح‌های موفق در دوره‌های خاص مثل دوران کرونا، فعالیت‌های کلان) هستند. نتایج پژوهش‌های کاظم‌پور، قدیری و اسلامی (۱۳۹۶)، یزدان‌پناه و حکمت (۱۳۹۳)، صاحبی، زالی‌زاده و زالی‌زاده (۱۳۹۴)، و رستمیان (۱۳۹۳) با این بخش از پژوهش مطابقت دارد.

بررسی، سنجش و ارضای به‌موقع و منطقی نیازهای کودک یکی از زیرساخت‌های موردنیاز در رشد مسئولیت‌پذیری تلقی می‌شود. از آنجا که اولین مکانی که فرد در آن رشد می‌یابد و احساس نیاز می‌کند، خانه است؛ نیازها ابتدا باید در خانواده بررسی گردد. آگاهی داشتن از نیازهای روانی، عاطفی، جسمی و... در دوره‌های مختلف رشد موجب می‌شود تا با کودکان و نوجوانان به نحو شایسته‌تری برخورد شود. همچنین، برنامه‌های مورد نظر نیز منطبق با همین نیازها طرح‌ریزی شوند. بررسی و شناسایی آسیب‌ها و عللی که مانع از انجام اعمال مسئولانه می‌شود، یکی دیگر از بسترهای موردنظر است. شاید با یافتن ریشه مشکلات بتوان فرد را بهتر به مسئولیت‌پذیری دعوت نمود. به‌وجودآوردن مراکز تحقیقاتی و بررسی آسیب‌ها یکی از راهکارها در این زمینه است. با این حال، والدین و اولیای مدرسه با مشاهده مسئولیت‌گریزی دانش‌آموز باید علت را شناسایی کنند و به رفع آن پردازند. والدین و معلمان مهم‌ترین افرادی هستند که می‌توانند کودک را در این راه یاری کنند.

از سوی دیگر، جست‌وجو در اطراف و یافتن عوامل علی، محیطی و بسترهای رشد مسئولیت‌پذیری پسندیده و مناسب برای رشد مسئولیت‌پذیری به حساب می‌آید؛ اما آنچه که باید در کنار این عوامل در نظر گرفت تنها محیط بیرون نیست. گاهی انسان باید نگاهی به خود و ویژگی‌های فردی‌اش بیندازد و به اصلاح یا بهبود آن‌ها پردازد. ارتقای فردی: گلاسر (۱۳۹۰) معتقد است تغییر دادن تصاویر دنیای مطلوب‌بمان دشوار است و تغییر تصاویر دنیای مطلوب دیگران دشوارتر است و فقط از طریق گفت‌وگو و سازش می‌تواند انجام شود. اصل اول از اصول بنیادین تئوری انتخاب این باور است که تنها کسی را که می‌توانیم کنترل کنیم خودمان هستیم (صاحبی و همکاران، ۱۳۹۴)؛ اگر تمام افراد جامعه به اصل شروع تغییر از خود، معتقد باشند و به آن عمل کنند، اصلاح جامعه به‌مرور زمان میسر می‌شود. از سوی دیگر، به‌وجودآوردن میدان‌ها و صحنه‌هایی برای عمل کردن به مسئولیت‌ها و دست‌زدن به آزمون و خطا و یادگیری در بافت خانه، مدرسه و جامعه زمینه‌ای دیگر برای رشد مسئولیت‌پذیری در آینده را فراهم می‌کند.

- راهبردهای رشد مسئولیت‌پذیری در دانش‌آموزان مدارس ابتدایی کدام‌اند؟

مطابق با مدل به دست آمده راهبردهایی که برای رشد مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان دوره ابتدایی می‌توان به کاربرد شامل راهبردهای مربوط به خانواده (واگذاری مسئولیت به فرزندان، وضوح انتظارات، توجه به تمام ابعاد وجودی فرزندان)؛ راهبردهای مدرسه‌ای (واگذاری مسئولیت، توجه به تفاوت‌های فردی، کارگروهی، آگاه‌سازی خانواده)، راهبردهای آموزشی (آموزش والدین قبل از فرزندآوری، آموزش والدین پس از فرزندآوری، آموزش مهارت‌های زندگی به کودک، آموزش مسئولیت‌پذیری به کودکان، آموزش به معلمان، استفاده از شیوه‌های مختلف در آموزش مسئولیت‌پذیری، آموزش رسانه‌ای)، راهبردهای نظارتی (نظارت منطقی بر مسئولیت‌های واگذار شده، تمرین مسئولیت‌پذیری) راهبردهای انگیزشی استفاده از انگیزش درونی، استفاده از انگیزش بیرونی و تلاش فردی جای می‌گیرند. این راهبردها در واقع مسیرهایی هستند برای رسیدن به هدف مورد نظر. نتایج پژوهش‌های دودمان (۱۳۹۷)، و یزدان‌پناه و حکمت (۱۳۹۳) با این بخش از پژوهش مطابقت دارد.

راهبردهای مربوط به خانواده، راهکارهایی هستند که مانند یک نقشه راه، در خدمت اعضای خانواده قرار می‌گیرد. والدین و سایر اعضای خانواده باید بدانند که برای پرورش حس مسئولیت‌پذیری باید وظایف و مسئولیت‌های خانه به‌درستی و با توجه به ویژگی‌های رشدی هر فرد تقسیم شود. در این راستا، واضح و مشخص بودن خواسته‌ها و انتظارات به منظور انجام صحیح و کامل مسئولیت‌ها مورد انتظار است. ارزش قائل‌شدن برای کودک، حفظ کرامت و شخصیت، توجه کردن و درک او، نداشتن توجه صرف به رشد شناختی و جسمی کودک، در نظر گرفتن زمان برای او در برنامه‌های روزانه و... از جمله آن‌هاست.

راهبردهای مربوط به مدرسه نیز همان نقشه‌ای است که کارکنان مدرسه باید در دست داشته باشند تا به‌درستی در این مسیر حساس و مهم گام بردارند. واگذاری برخی از وظایف و مسئولیت‌ها به تمام دانش‌آموزان با توجه به ویژگی‌های سنی، جسمی و ذهنی آن‌ها می‌تواند یکی از مؤثرترین راهکارهای موجود در مدرسه باشد. چنین اقدامی علاوه بر اینکه موجب رشد مسئولیت‌پذیری می‌شود، عزت‌نفس و اعتماد به نفس کودک را نیز تقویت می‌کند. همچنین، فعالیت در گروه موجب

می‌شود تا فرد با زندگی گروهی و جمعی آشنا شده و نحوه برخورد با دیگران را بیاموزد، همچنین او در این‌گونه فعالیت‌ها با احساسات و عقاید گوناگون روبه‌رو خواهد شد که در این‌بین، احترام به آن‌ها را نیز می‌آموزد.

در تبیین راهبردهای آموزشی می‌توان گفت آموزش یکی از بهترین استراتژی‌های یاددهی - یادگیری است. از آن‌جا که هدف اصلی پژوهش دانش‌آموزان هستند، در نظر گرفتن آموزش‌های ویژه مسئولیت‌پذیری برای گروه هدف کاری بیهوده تلقی می‌شود که راه به مقصد نمی‌رساند. همزمان با یک سیر آموزشی بسیار مناسب که در آن والدین به‌خوبی آموزش داده می‌شوند و با وظایف خود آشنا می‌شوند، باید به سراغ فرزندان هم رفت و علاوه بر آموزش مهارت‌های زندگی، آن‌ها را تحت آموزش‌های ویژه مرتبط با مسئولیت‌پذیری قرار داد. آموزش شیوه انجام مسئولیت‌ها، چگونگی پذیرش مسئولیت، انجام صحیح مسئولیت و کسب موفقیت در آن، آموزش چگونگی رویارویی با پیامدهای حاصل از مسئولیت‌پذیری یا مسئولیت‌گریزی و... را باید از سنین پیش از دبستان آغاز کرد و تا سال‌ها پس از آن ادامه داد. دو نکته بسیار مهم در روند آموزشی وجود دارد: ۱. توجه به تمام ابعاد مسئولیت‌پذیری و ۲. آموزش همگانی؛ بنابراین از آن‌جا که مسئولیت‌پذیری ابعاد و انواع مختلفی دارد باید در سیر آموزش‌ها تمام ابعاد آن را ارتقا داد و در این‌بین از آموزش بزرگسالان و سایر اقشار جامعه غافل نشد.

راهبرهای نظارتی جمله معروف پیشگیری بهتر از درمان است را برای انسان تداعی می‌کند. همان‌گونه که پیشگیری از بیماری‌های جسمی بهتر، راحت‌تر و اثربخش‌تر از درمان آن‌هاست. برای آن‌که به پیامدهای مخرب مسئولیت‌گریزی دچار نشویم، باید آموزش‌ها را از دوران خردسالی و به تدریج آغاز کنیم و به مرور زمان دامنه آن‌ها را گسترش دهیم. آنچه که واضح و مسلم است این است که برای رشد افرادی مسئولیت‌پذیر باید آن‌ها را در دوران مختلف زندگی در گردانه تکرار و تمرین قرار داد تا روح و جسمشان به‌خوبی با مسئولیت‌پذیری آمیخته شود. قدرت انتخاب یا اختیاردادن به کودکان در مسیر اجرای مسئولیت‌هایشان، عدم اعمال تنبیه و به‌کارنبردن سخنان سرزنش‌آمیز، بیان عواقب نیکوی مسئولیت‌پذیری و... راه‌هایی برای درونی‌سازی حس مسئولیت‌پذیری است.

- پیامدها و نتایج رشد مسئولیت‌پذیری در دانش‌آموزان مدارس ابتدایی چیست؟
پیامدهای به‌دست‌آمده از به‌کار بستن راهبردهای بیان شده، در دو مقوله اصلی پیامدهای فردی (رشد ویژگی‌های شخصیتی و روان‌شناختی، رشد مهارت‌های اجتماعی، رضایت از زندگی، کسب موفقیت، دوراندیشی، افزایش کارایی، پرورش افرادی مسئولیت‌پذیر، کاهش مشکلات خانوادگی، نوع‌دوستی، رشد اقتصاد فردی) و پیامدهای اجتماعی (کاهش آسیب‌های اجتماعی، ارتقای جامعه، آرامش اجتماعی، رشد اخلاق دینی، بهبود محیط‌زیست، رشد اقتصاد جامعه، رعایت الگوی مصرف) دسته‌بندی شد که نتایج پژوهش‌های یزدان‌پناه و حکمت (۱۳۹۳) با نتایج این بخش از پژوهش مطابقت دارد.

پذیرش هر مسئولیتی نتایج و عوایدی را به همراه دارد. یک دانش‌آموز ضمن اینکه مسئولیت‌پذیری و روش صحیح انجام وظایفش را می‌آموزد، باید بداند که انجام یا عدم انجام مسئولیت‌هایش چه پیامدهایی را برای خود او یا جامعه‌اش به دنبال دارد. گاهی به نظر می‌رسد که اثرات مسئولیت‌گریزی تنها بر روی خود فرد باقی می‌ماند؛ اما با بررسی‌های عمقی و تحلیلی مشاهده می‌شود که نتایج آن تا سال‌ها بعد و بر روی چندین نسل تأثیر می‌گذارد؛ بنابراین آگاه‌کردن کودکان از عواقب مسئولیت‌پذیری و مسئولیت‌گریزی راهی است برای بهتر عمل کردن؛ بنابراین، پذیرش مسئولیت و انجام صحیح آن می‌تواند انسان را به سوی موفقیت‌های بزرگ سوق دهد. دسته‌ای دیگر از پیامدهای مسئولیت‌پذیری مربوط به جامعه و اجتماعی است که در آن زندگی می‌کنیم و ابعاد مختلف آن را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. جامعه‌ای که مردمانش مسئولیت‌پذیر هستند، به فکر پیشرفت و آبادانی همگانی است. در این جامعه افراد منظم و وظیفه‌شناس، عادل، حلال مسئله و قانونمند هستند که در برابر بی‌مسئولیتی‌ها می‌ایستند و راه آن را سد می‌کنند.

این پژوهش پدیده و عوامل رشد مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان دوره ابتدایی را با توجه به موجبات علی، شرایط محیطی و زمینه‌ای مورد مطالعه قرار داده است. الگوی به‌دست‌آمده استراتژی‌هایی را برای رشد مسئولیت‌پذیری به همراه پیامدها و نتایج آن نشان می‌دهد. امید است این پژوهش برای روشن‌سازی مسیر دستیابی به جامعه‌ای مسئولیت‌پذیر و تعالی آن کمکی نموده باشد. عدم امکان

بهره‌گیری از تمامی متخصصان حوزه روان‌شناسی و مشاوره کودک، به دلیل گستردگی محیط پژوهش و فراهم‌نبودن شرایط برای برگزاری مصاحبه‌های جمعی به صورت گروه‌های کانونی برای گردآوری داده‌های دقیق‌تر، از محدودیت‌های پژوهش حاضر بود. با توجه به اهمیت والدین و تأثیر خانواده در رشد ویژگی‌های شخصیتی و رشد مسئولیت‌پذیری کودکان، حضور در جلسات مشاوره‌ای قبل و بعد از فرزندآوری، آموزش سبک‌های فرزندپروری به زوج‌های بدون فرزند و فرزند دار از طریق صدا و سیما؛ با توجه به تأثیر یادگیری مشاهده‌ای و الگوپذیری از دیگران، دقت و توجه والدین، معلم و سایر الگوهای کودک به رفتار و گفتارهای خود؛ با توجه به اهمیت و تأثیر آموزش و پرورش: تخصیص بودجه کافی برای امور آموزشی و پرورشی؛ کاهش محتوای کتب درسی از مطالب صرفاً شناختی و غنی‌سازی آنها با آموزش مهارت‌های زندگی و مسئولیت‌پذیری؛ با توجه به یافته‌های پژوهش در بخش شرایط محیطی مؤثر بر مسئولیت‌پذیری، نظارت منطقی مسئولین و والدین بر برنامه‌ها، کتاب‌ها، مطالب موجود در فضای مجازی که کودک با آنها سروکار دارد و با توجه به اهمیت نیازسنجی به‌عنوان بستری برای رشد مسئولیت‌پذیری، توجه به تمام نیازهای کودکان از جمله مادی، عاطفی، روحی و... به شکل متعادل و با توجه به اهمیت اعطای مسئولیت به کودکان به‌منظور رشد مسئولیت‌پذیری در بخش راهبردها، واگذاری مسئولیت‌ها در مدرسه و خانه به تمام کودکان بر اساس توانایی‌های ذهنی، جسمی و تفاوت‌های فردی آنها پیشنهاد می‌شود. همچنین، ساخت پرسشنامه بر اساس مدل ارائه شده در این تحقیق و استانداردسازی و هنجاریابی آن نیز به پژوهشگران آینده پیشنهاد می‌شود.

منابع

- استروس، انسلم، و کوربین، جولیت (۱۳۹۵). *مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای*. چاپ ششم، ترجمه ابراهیم افشار، تهران: نشر نی.
- البرزی، زهرا، بنیسی، پریناز، و زمردی، سعیده (۱۴۰۰). اثربخشی آموزش مبتنی بر تعهد و پذیرش بر مسئولیت‌پذیری و شادکامی دانشجویان علم و صنعت. *رویکردی نو در علوم تربیتی*، ۱۳(۱)، ۱۹-۱۲.
- بهزادی، حسن، و محمودی، حسن (۱۳۹۷). بررسی نقش یادگیری مشاهده‌ای بر وضعیت مطالعه دانش‌آموزان پسر دوره متوسطه بر اساس نظریه شناختی اجتماعی بندورا. *کتابداری و اطلاع‌رسانی*، ۲۱(۲)، ۵۴-۲۵.
- حاجی‌زاده، مهین، و آورجه، محی‌الدین (۱۳۹۳). مسئولیت‌پذیری اجتماعی در قرآن کریم با تأکید بر دیدگاه علامه طباطبایی در المیزان. *قرآن در آینه پژوهش*، ۱(۱)، ۱۵۶-۱۲۳.
- دودمان، پروانه (۱۳۹۷). رابطه شیوه‌های فرزندپروری والدین بر مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان دبیرستان‌های شهرستان مهر سال ۹۵-۱۳۹۴. *مجله دانشگاه علوم پزشکی قم*، ۱۲(۴)، ۶۰-۵۱.
- راغفر، حسین (۱۳۹۶). گفت‌وگو با مجله رشد آموزش ابتدایی، ۲۱(۵)، ۲۳-۲۰.
- رستمیان، محمدعلی (۱۳۹۳). مسئولیت‌پذیری و وظیفه‌شناسی از دیدگاه قرآن و روایات اهل بیت (علیهم‌السلام)، *پژوهش‌نامه حکمت اهل بیت (علیهم‌السلام)*، ۱(۲)، ۵۰-۳۱.
- شریفی، مرجان (۱۳۹۶). *اثربخشی آموزش ابراز وجود بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی و خودپنداره والدین دانش‌آموزان پسر ناحیه ۱ یزد*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد.
- صاحبی، علی، زالی‌زاده، محسن، و زالی‌زاده، مسعود (۱۳۹۴). تئوری انتخاب: رویکردی در جهت مسئولیت‌پذیری و تعهد اجتماعی رویش‌شناسی، ۴(۱)، ۱۹۴-۱۱۹.
- طالبی، ابوتراب، و خوش‌بین، یوسف (۱۳۹۱). مسئولیت‌پذیری اجتماعی جوانان. *علوم اجتماعی*، ۵۹، ۲۴۰-۲۰۷.

غریبی، حسن (۱۳۹۶). اثربخشی آموزش مهارت حل مسئله بر مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان پسر سال سوم متوسطه دوره اول. *پژوهش‌های برنامه درسی*، ۷(۲)، ۸۷-۶۷.

کاظم‌پور، اسماعیل، قدیری، ندا، و اسلامی، سهیلا (۱۳۹۶). تأثیر آموزش راهبردهای خودتنظیمی بر مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان، رهبری و مدیریت آموزشی، ۱۱(۳)، ۱۱۱-۱۲۵.

گلاسر، ویلیام (۱۳۹۰). تئوری انتخاب. ترجمه علی صاحبی، تهران: سایه سخن.

هلاجیان، مهدیه، و سعدی‌پور، اسماعیل (۱۳۹۵). بررسی اثربخشی آموزش روش ایفای نقش بر مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان دختر اول دبیرستان. *روان‌شناسی مدرسه*، ۲، ۱۶۲-۱۵۱.

یزدان‌پناه، لیلا، و حکمت، فاطمه (۱۳۹۳). بررسی عوامل مؤثر بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی جوانان (مطالعه دانشجویان دانشگاه شهید باهنر کرمان). *مطالعات اجتماعی ایران*، ۸(۲)، ۱۵۰-۱۲۷.

- Augustiniene, A., Jociene, J., & Minkute-Henrickson, R. (2015). Social responsibility of a Comprehensive school: Theoretical insights of Its Modelling. *International Journal on Global Business Management & Research*, 3(2), 23-41.
- Aulak, D. S., Quinn, B., & Wilson, N. (2016). Student burnout. *British Dental Journal*, 220(5), 219-220.
- Brewer, M. (2013). *Teaching your child responsibility*. Pagewise. Inc.
- Chuang, S. P., & Huang, S. J. (2018). The effect of environmental corporate social responsibility on environmental performance and business competitiveness: The 42 mediation of green information technology capital. *Business Ethics*, 150(4), 991-1009.
- Escartí, A., Wright, P. M., Pascual, C., & Gutiérrez, M. (2015). Tool for Assessing Responsibility-based Education (TARE) 2.0: Instrument revisions, inter-rater reliability, and correlations between observed teaching strategies and student behaviors. *Universal Journal of Psychology*, 3(2), 55-63.
- Fink, M., Ivanova, K., Bernardova, D., Arkhangelska, T., & Kasparova, K. (2020). Social Responsibility ETA Index 2019. *Curriculum and Instruction*, 12(2), 50-65.
- Gordon, M. C. (2003). *The role of parenting style in the development of social responsibility*. Doctoral Dissertation, George Fox University, Newberg, Oregon.
- Hassan, A., & Lund-Thomsen, P. (2019). Multi-stakeholder initiatives and corporate social responsibility in global value chains: Towards an analytical framework and a methodology. In *Corporate Social Responsibility: Concepts, Methodologies, Tools, and Applications* IGI global.
- Holdorf, W. E., & Greenwald, J. M. (2018). Toward a taxonomy and unified construct of responsibility. *Personality and Individual Differences*, 132(1), 115-125.
- Huda, M., Jasmi, K. A., Alas, Y., Qodriah, S. L., Dacholfany, M. I., & Jamsari, E. A. (2018). *Empowering civic responsibility: Insights from service learning*. In *Engaged Scholarship and Civic Responsibility in Higher Education* IGI Global.
- Kvale, S. (1996). *Interviews: An introduction to qualitative research interviewing*. Thousand Oaks, CA: Sage Publications.

- Liu, S., & Wu, D. (2016). Competing by conducting good deeds: The peer effect of corporate social responsibility. *Finance Research Letters*, 16, 47-54.
- MacLeod, J. (2018). Professional responsibility in an age of alternative entities, alternative finance, and alternative facts. *Transactions: The Tennessee Business Law*, 19(1), 227-259.
- Mergler, A., & Shield, P. (2016). Development of the Personal Responsibility Scale for adolescents. *Adolescence*, 51(6), 50-57.
- Mergler, A. (2007). *The creation, implementation and evaluation of a school-based program*. Doctoral Dissertation, Queensland University of Technology.
- Ni, A., & VanWart, M. (2015). Corporate social responsibility: Doing well and doing good. In *Building Business-Government Relations* Routledge
- Smithkirai, C., Longthong, N., & Peijsel, C. (2015). Effect of using movies to enhance personal responsibility of university students. *Asian Social Science*, 11(5), 1-9.
- Turkkahraman, M. (2015). Education, teaching and School as a Social Organization. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 186, 381-387.
- Voegtlin, C. (2016). What does it mean to be responsible? Addressing the missing responsibility dimension in ethical leadership research. *Leadership*, 12(5), 581-608.

